

هو الله - ای ثابت بر پیمان، نامه شما رسید...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (37) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبد البهاء، جلد
3، صفحه 146

(37)

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و از مضمون حزن شدید حاصل گردید زیرا دلالت بر آن مینمود که احزاب الی الآن مانند گرگان درنده بجان یکدیگر افتاده و بخونریزی و نهب و غارت مشغول و مألوفند سبحان الله انسان که باید مصدر سنوحات رحمانیه باشد و سبب الفت و محبت و اتحاد و اتفاق قبائل و شعوب گردد با وجود این بکلی از این فیض موفور منفور و بخصائل و رذائل حیوانات وحشیه افتخار نماید هر که چنگ تیزتر دارد افتخار بیشتر نماید و سبب این نزاع و جدال و مؤسس این حرب و قتال علماء سوءاند که در این ایام دو فرقه شدند فرقه‌ئی دولتیان و فرقه‌ئی دیگر ملتیان و حال اینکه در نص قرآن میفرماید "و ان هذه أمتکم أمة واحدة و أنا ربکم فاتقون فتقطعوا أمرهم بینهم زیرا کل حزب بما لديهم فرحون" باری ما الحمد لله از این نزاع و جدال بیزاریم و از اختلاف و اجتناب در کنار در حق کل دعا مینمائیم که ای پروردگار این احزاب خونخوار را از درندگی بیزار نما و از خونریزی پشیمان کن آسمانی فرما ربانی کن رحمانی نما تا مانند فرشتگان مظاهر فضائل رحمانیه و مطالع خصائل ربانیه گردند اختلاف بگذارند و ائمه‌لاف بجویند از جدال و قتال برهند و الفت و اتحاد طلبند از ظلمات ضلالت نجات یابند و بنور هدایت کبری روشن گردند ای خداوند این جمع مستمند را خردمند نما و این دیوانه‌ها را هوشمند کن این گرگانرا آهوان بر وحدت نما و این خونخوارانرا خوی فرشتگان بخش ای پروردگار



ORIGINAL

باستعداد و لیاقت معامله مفرما الطاف و عنایت مبذول دار اگر این وحوش را بحال خویش گذاری ذی روحی از آن اقلیم باقی نماند جمیع راجع بحجیم گردند و بعذاب الیم افتند پس بفضل و موهبت خویش این نادانانرا دانا کن و این جمع پریشانرا در ظل عنایت مجتمع فرما صلح و صلاح بخش و از سیف و سلاح بیزار نما آشتی و دوستی و راستی و حقیقت پرستی عنایت کن توئی مقتدر و توانا و توئی عالم و قادر و بینا باری جناب خطاط خطای اهل آن دیار یحساب و بیشمار فی الحقیقه اهل تبریز مستحق این رستخیز بودند زیرا هیکل مبارکرا در آن میدان بر دار زدند و هدف هزار گلوله نمودند این اضطراب و این عذاب و این نتایج آن سیئات است حضرت یحیی بن زکریا را یهود سر بریدند بعد از چهل سال خداوند طیطوس رومانیرا بر انگیخت و ارض فلسطین بخون مذبوحان رنگین گردید حال اگر اهل تبریز یکدیگر را خونریز شوند تعجب نمائید این جزای آن اعمال است ولی با وجود این دل و جان از این شورش و هیجان مستغرق بحر احزان و در نهایت تضرع و ابتهال از حضرت یزدان میطلبیم که محض فضل این آتش افروخته را خاموش نماید و این نزاع و قتال را از میان بردارد مجتهد ملحد سنی حسن قتل احبا را مستحسن شمرد و فتوی داد لهذا دولتیان از شامت آن باین ابتلا افتادند و الا آن منافق جمیع یاران الهی را قتل و غارت مینمود با وجود این فتوی البته انہزام حاصل شود و مغلوبیت رخ دهد و اینکه چند نفر از احبا با وجود اینکه بی طرف و باوفا بودند تصادفا شهید شدند نهایت حسرت و حزن حاصل گردید و از پیش مناجاتی در حق دو نفر از ایشان بدرگاہ احدیت شد و ارسال گردید حال نیز مناجاتی بجهت جناب آغا علی محمد مرقوم میگردد و ارسال میشود شما باید یاران الهی را در این پریشانی تسلی دهید و بفضل و موهبت الهی نوید بخشید حال این وقائع تمهید سبیل است تا راهها هموار گردد و احزاب متقاتله در قوت و شدت فتور یابند و احبای الهی میدان وسیع حاصل کنند و جولانی بدهند و عوام کالانعام تفہیم شوند و رؤسای ملت علما و مجتهدین را ملاحظه نمایند که چگونه بدخو و جنگجو و هادم بنیان و بیدین و ایمانند محض اوہامی که عزتی یابند یا مسند خویش محافظه کنند فتوی بخون مسلمانان دهند بر فرض که حقیقت این امر در نزد ناس غیر معلوم است با وجود برهان لامع و حجت ساطع چه که اکثر ناس غافل و ذاهلند آیا بیدینی این علما و ظلم و تعدی این سفها و جرأت و جسارت این بلها نیز مجهول با وجود آنکه مانند شمس در قطب سماء واضح و هویدا گردید "فاعتبروا یا اولی الابصار" در قرآن عظیم میفرماید "وألقينا بينهم العداوة والبغضاء الى يوم القيامة" پس واضح و مشہود شد که این قتال و نزاع و این جنگ و جدال از نتایج غفلت و ضلال است شما جمیع یاران الهی را از قبل من تَحیت ابدع ابہی با نهایت اشتیاق ابلاغ دارید هر چند از این وقائع آنان نیز پریشان شدند و بیسر و سامان گشتند و مورد بلایای ناگهان شدند ولی بالنسبه بديگران في الجملة راحت و آسایشی دارند و فراغت و گشایشی جمیع این وقوعات مبنی بر حکمتی است و نتایج من بعد ظاهر و آشکار گردد لهذا محزون نباشند مغموم نگردند مایوس ننشینند بلکه در نهایت فرح و سرور بذکر رب غفور مشغول شوند و بشکرانه موفور پردازند و بقدر امکان هدایت نفوس خواهند و بنشر آثار مأنوس گردند در ایامی که در این سجن اعظم آتش عدوان مشتعل و از هر جهت تضییق حاصل و ستمکاران متعرض و هیئت ظالمه خاسره تفتیش در هر ساعتی بوسیلهئی در نهایت ظلم و اعتساف کامل با وجود این الحمد لله ما در نهایت سرور بودیم و غافل از ظلم اهل غرور که الحمد لله در

سبيل الهی اسيريم و در محبت حق مستحق اغلال و زنجير جام بلا سرشار است و مصائب و بليات شديد و تعرض هر وليد يزید واضح و پديد تا آنکه غمام عدوان زائل و انوار تأييد جمال ابي ساطع و لائح گرديد حال ياران تبريز نيز بايد شورانگيز گردند تا جميع شهادت دهند که اين نفوس مقدسه در بلا صفا يابند و از جفا بوفاي قيام کنند عذاب اليم آنانرا جنت نعيم است و مصيبت اعظم موهبت رب کریم روز حزن شادمانی کنند و در يوم فلاکت کامرانی فرمايند

الهی الهی هؤلاء عبادک الاصفیاء و احبائوک النجباء و أرقائوک النقباء قد وقعوا فی أشد مصیبة و بلاء بما وقع الجدال و القتال بين أهل الضلال فاقتتلوا ذئاب کاسرة و وحوش ضارية و کلاب خاسرة و سفکوا الدماء و هتکوا و فتکوا بعضهم بعضا و ما خافوا الطامة الكبرى و ما اجتنبوا الرزية العظمی لانهم حشرات لا یفلحون و ضاریات لا یعقلون قد اقتتلوا کالوحوش و أصابوا بعضهم برصاص مرشوش و ما تنبهوا ان ذلك عذاب یلقیهم فی الجحیم و یحرمهم من النعيم و یذیقهم العذاب الالیم رب اصلح هؤلاء الخصماء و اسکن طیش هؤلاء الزنماء و اجعلهم یرجعون الی الوداد و ینتهون فی الظلم و الفساد و یخافون يوم التناد

رب رب ان عبدک محمد علی کان منجذبا الی ملکوتک الجلی و مشتعلا بنار محبتک مطالعا بالسر الخفی قد أصابه سهم أهل الضلال و وقع طریقا فی میدان القتال و ما کان له مدخل فی الجدال بل هو بریء من کل نزاع و نزال و لکن عند ما هجم الخیل فی النهار و اللیل و رموا بالرصاص و لات حین مناص عند ذلك وقع عبدک المنیب علی الارض طریقا و قتل رب اجعله بفضلک من الشهداء و ادخله فی زمرة النقباء و اجعله من أهل الفداء فی سبیلک یا رب الاسماء الحسنی رب انه توجه الی ملکوت رحمانیتک و تمسک بذیل فردانیتک و تمنی الدخول فی جنة احدیتک فارزقه لقائک و أفض علیه نور بهائک انک أنت الرحمن الرحیم انک أنت الفضال الکريم و انک أنت بعبادک لرؤف لطیف (ع ع)